

متن پیاده سازی شده جلسه بیست و ششم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 28 آبان 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که جلسه قبل به قائلین حجیت خبر واحد پرداختیم و این کار را با شیخ طوسی آغاز نمودیم؛ مرحوم شیخ طوسی قریب به 80 صفحه بلکه بیشتر در مورد حجیت خبر واحد صحبت می کند و گاه ناسازگاری های در کلام ایشان دیده می شود.

شرایط حجیت خبر واحد در نظر شیخ طوسی

مرحوم شیخ طوسی در یکی از سخنانش می فرماید: خبر واحدی که من حجت می دانم خبری است که اولاً: اصحاب قائلین بالامامه نقل کنند (مراد همان شیعه 12 امامی است) ثانیاً و راوی هم لا یطعن فی روایتی باشد ( یعنی در حق راوی نگفته باشند که فلانی متهم به کذب یا ... است ثالثاً: همچنین سدید فی نقله باشد(مراد از سدید در نقل، یعنی پالایش می کند و سپس نقل می کند یعنی هر روایتی را نقل نمی کند) قید چهارمی را هم ایشان ذکر می کند و آن قید این است که قرینه خارجی بر صحت یا بطلان خبر اقامه نشده باشد چرا که محل بحث در جایی است که قرینه خارجی نداشته باشد. قید پنجمی هم که ایشان ذکر می کند این است که از پیغمبر صلی الله علیه و آله و یا امام علیه السلام نقل کند (یعنی قول صحابی نباشد)

ادله شیخ طوسی بر حجیت خبر واحد

شیخ طوسی از کسانی است که قائل به عصمت اصحاب امامیه است و این عصمت را با قاعده لطف بیان می کند.

مراد از اجماعی که ایشان نقل می کند اجماع فقها فقط نیست بلکه ایشان می فرماید از زمان پیامبر و ائمه علیهم السلام این سیره بوده که به خبر واحد عمل می کردند؛ در زمان معصومین اگر خبری را فرد ثقه ای نقل می کرد کلام او را می پذیرفتند و یا از شخص می پرسیدند این روایت را از کجا نقل می کنی و راوی هم می گفت که من از اصل و... نقل می کنم کلام او را می پذیرفتند.

این تقریباً 50 صفحه از کلام شیخ طوسی است.

اما بعد از این 50 صفحه کلام ایشان تغییر می کند تقریباً از صفحه 350 به بعد گرایش ایشان عوض می شود شخصی به ایشان می گوید خبری را که فطحی یا واقفی یا مقلده (کسانی که اندیشه خود را از اخبار واحد می گیرند حتی اعتقادات را با خبر واحد اخذ می کنند) نقل کند چرا پذیرفته نیست؟

شیخ طوسی می فرماید: ما اصراری نداریم که بگوییم فقط خبر امامی حجت است بلکه معتقدیم اگر این سه فرقه هم روایتی را نقل کنند و راویان فطحی و... تحرز از کذب داشته باشند ما به روایات اینها عمل می کنیم لذا به روایات عبدالله بن بکیر، سماعه بن مهران، بنی فضال و... عمل می کنیم.

نکته: واقفه جریان عجیبی بود و بسیاری از روایات ما را با خود برد و لذا بسیاری از روایات ما از بزرگان واقفیه هستند.

مرحوم شیخ طوسی می فرماید: ممکن است بگوییم از اهل سنت هم اگر کسی تحرز از کذب داشته باشد خبرش را می پذیریم اشخاصی مثل سکونی و...

در کلام ایشان تنزل دیده می شود و از شیعه 12 امامی به اهل سنت می رسد ایشان به روایتی استناد می کند برای پذیرش اخبار اهل سنت

متن روایت به این شرح است: اذا نزلت بکم حادثه لا تجدون حکمها فیما روی عنا فانظروا الی ما رواوا عن علی ( آنچه را که از علی علیه السلام نقل می کنند ) فاعمل به

مطابق این روایت اگر یک سنی هم روایتی را از امیرالمومنین علیه السلام نقل کرد به آن می توان عمل کرد .

می دانیم که امیرالمومنین موضوعیتی ندارد و لذا اگر شخص سنی روایتی را از سایر ائمه هم نقل کردند ما بپذیریم. استاد علیدوست: به نظر می رسد این حدیث به درد شیخ طوسی نمی خورد؛ ما فکر می کنیم که امام صادق علیه السلام این مطلب را نمی خواهند بگویند حداقل نمی دانیم که امام علیه السلام در صدد این کلام بوده اند یا نه؟ و لذا اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال

ممکن است مراد امام علیه السلام همین برداشت شیخ طوسی باشد اما احتمال قوی وجود دارد که منظور امام علیه السلام این باشد که اگر اهل سنت روایتی را از امیرالمومنین علیه السلام دارند و ما نداریم چون ما اهل بیت به روایت نظارت می کنیم وقتی ما چیزی نگوییم یعنی آن نقل را امضا کرده ایم که از آن به سنت تقریری تعبیر می شود.

این روایت سنت تقریری امام علیه السلام را می شمارد و در صدد این نیست که بگوید روایات اهل سنت قابل عمل هستند؛ طبق این بیان امیرالمومنین علیه السلام موضوعیت پیدا می کند و اگر در زمان امام صادق علیه السلام یک سنی روایتی نقل بکند امام بعدی باید آن را امضا بکند و طبق سنت تقریری معصوم علیه السلام حجت می شود.

اگر بدترین شخص سنی مثل سمره بن جندب روایتی را از امیرالمومنین علیه السلام نقل کند طبق برداشت شیخ طوسی حجت است و ما به این مطلب اشکال داریم و معتقدیم حتی خود اهل سنت هم به این معتقد نمی شوند.

**و الحمد لله رب العالمین**